

مقایسه رابطه با خانواده همسر در دو گروه افراد راضی و ناراضی
از ارتباط مذکور*

The Relationship with In-laws Comparison in two Groups of
Satisfied and Dissatisfied People of that Relationship

M. Cheraghi, Ph.D Candidate.

M. A. Mazaheri, Ph.D.

F. Mootabi, Ph.D.

L. Panaghi, Ph.D.

M. S. Sadeghi, Ph.D.

مونا چراغی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی مظاهری ✉

استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فرشته موتابی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر لیلی پناغی

دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر منصوره‌السادات صادقی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۲/۸/۱۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۳/۵/۱

پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۲۰

Abstract

The aim of the current study was to compar dimensions of relationship with in-law's family in satisfied and dissatisfied samples. Participants were selected through accessible sampling method from six populated cities of Iran.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Shahid Beheshti University, Velenjak, Tehran.
Email: m-mazaheri@sbu.ac.ir

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر مقایسه ابعاد مختلف رابطه با خانواده همسر در افراد راضی و ناراضی از ارتباط با خانواده همسر بود. نمونه‌گیری به شیوه در دسترس از ۶ شهر بزرگ ایران صورت گرفت. تعداد ۷۳۵ نفر به پرسش‌نامه ارتباط با خانواده همسر پاسخ دادند. پس از بررسی نمره رضایت افراد از رابطه با خانواده همسر، نمرات صدک ۸۰ و ۲۰

*این پژوهش با حمایت مالی قطب علمی خانواده دانشگاه شهید بهشتی (قرارداد شماره ۶۰۰/۱۹۳۹) انجام شده است.

✉نویسنده مسئول: تهران، ولنجک، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی
پست‌الکترونیکی: m-mazaheri@sbu.ac.ir

The Relationship with In-laws Questionnaire was administered to 735 married people. Scores above 80 and below 20 determined satisfied and dissatisfied relationship.

At last 167 and 166 people categorized as satisfied and dissatisfied in their relationship with in-laws and then their answers were compared. Results showed that women in comparison with men and Tehran and Karaj inhabitants in comparison with small cities inhabitants were more dissatisfied in their relationships. In addition results showed that, if spouses and their families live in the same city they will be more satisfied. Furthermore two groups of satisfied and dissatisfied samples were different in the subjects such as process of developing relationship with in-laws, conflict's reasons and contents, the way they react to the conflicts, proportion of in-laws role in marital conflicts and amount of financial and non-financial aids from in-laws family.

In conclusion three dimensions were related to the amount of satisfaction in the relation with in-law's family including person, spouse and spouse family's action and reactions.

Keywords: Relationship with in Laws, Iranian Family, Marital Adjustment.

تعیین و افراد دارای نمرات بالاتر و پایین‌تر از این نمرات به عنوان افراد راضی و ناراضی از ارتباط مشخص شدند. در نهایت ۱۶۷ نفر به عنوان افراد راضی و ۱۶۶ نفر به عنوان افراد ناراضی از رابطه با خانواده همسر مشخص شدند و پاسخ‌های آن‌ها به پرسش‌نامه رابطه با خانواده همسر مقایسه شد. بر اساس نتایج، زنان از رابطه با خانواده همسر ناراضی‌تر از مردان بودند. همچنین ساکنین شهرهای تهران و کرج میزان رضایت کمتری از رابطه با خانواده همسر در مقایسه با ساکنین سایر شهرها گزارش کرده بودند. از طرفی افرادی که شهر محل سکونت خود، خانواده اصلی‌شان و خانواده همسرشان مشابه بود میزان رضایت بیشتری را به نسبت سایرین نشان دادند. همچنین یافته‌ها حاکی از وجود تفاوت‌هایی در دو گروه راضی و ناراضی از رابطه با خانواده همسر در موارد دیگری همچون روند تحول رابطه با خانواده همسر، علل ایجاد تعارضات با خانواده همسر، موضوعات تعارض با خانواده همسر، نحوه واکنش به تعارضات با خانواده همسر، میزان سهم خانواده همسر در تعارضات زناشویی و میزان دریافت و ارائه کمک‌های مالی و غیرمالی بین زوج و خانواده همسر بود. بر اساس یافته‌ها مشخص شد که عوامل چندی با میزان رضایت از رابطه با خانواده همسر مرتبط هستند. این عوامل به سه دسته اصلی کنش‌ها و واکنش‌ها در فرد، خانواده همسر و همسر تقسیم می‌شوند. کنش‌ها و واکنش‌های این سه جزء و تعاملات بین آن‌ها می‌تواند میزان رضایت از رابطه با خانواده همسر را رقم بزند.

کلیدواژه‌ها: ارتباط با خانواده همسر، خانواده ایرانی، سازگاری زناشویی.

مقدمه

خانواده به عنوان واحد سازنده اجتماع محسوب می‌شود و ثبات و سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده است. بنابراین سالانه حجم زیادی از پژوهش‌ها با این انگیزه انجام می‌شوند که عوامل مؤثر بر دوام رابطه زناشویی و سازگاری زناشویی زوجین را به عنوان مهم‌ترین عامل حفظ بنیان خانواده،

شناسایی کنند. نتایج این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عوامل مختلفی با سازگاری زناشویی مرتبط هستند. عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی را می‌توان در سه دسته بزرگ عوامل فردی (همچون سن، وضعیت جسمانی، ویژگی‌های شخصیتی)، عوامل مرتبط با موقعیت زوجین (مانند طبقه اجتماعی - اقتصادی زوجین) و رویدادهای زندگی زوجین (مانند استرسورهای زندگی) طبقه‌بندی نمود (هالفورد^۱، لیزیو^۲، ویلسون^۳ و اوچیپینتی^۴، ۲۰۰۷).

تحقیقات نشان داده‌اند که زوجینی که دارای مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله، تفکر منطقی، مذاکره و حل تعارض هستند (اپستین^۵ و باکوم^۶، ۲۰۰۲) و از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر در برابر تنش‌های زندگی زناشویی استفاده می‌کنند (کایزر^۷، ۲۰۰۵) از سازگاری زناشویی بالاتری برخوردارند. نگاهی به تحقیقات انجام شده درباره زوجین و عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی در جامعه ایران نیز نشان می‌دهد که متغیرهایی چون ویژگی‌های شخصیتی (شاکریان، ۱۳۹۱؛ گل‌پرور، طاهری‌زاده و اسماعیلی، ۱۳۹۰)، مهارت‌های مذاکره و حل مسئله (صادقی، مظاهری و موتابی، ۱۳۹۲)، مهارت‌های تنظیم هیجان و حل تعارض (بهرامی، ندایی، جزایری و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۲؛ بیرامی، باباپور، هاشمی، اسمعیلی و بهادری، ۱۳۹۲) با سازگاری زناشویی در زوجین ایرانی ارتباط دارند.

البته به جز عوامل مشترک عمومی که در جوامع مختلف با سازگاری زناشویی مرتبط هستند، در هر جامعه شکست یا موفقیت در ازدواج از عوامل بومی و خاص فرهنگ مردمان آن جامعه نیز تأثیر می‌گیرد. زیرا با وجود آن‌که ازدواج سنتی مشترک در بین جوامع مختلف است، اما در اصل مقوله‌ای وابسته به فرهنگ محسوب می‌شود (هاتفیلد^۸، راپسون^۹ و مارتل^{۱۰}، ۲۰۰۷). لذا موضوعات مرتبط با سازگاری یا عدم سازگاری زناشویی، نوع مشکلات و کیفیت نارضایتی زوجین در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد (مک‌گلدریک^{۱۱}، جیوردانو^{۱۲} و گارسیا - پرتو^{۱۳}، ۲۰۰۵). به این معنی که ممکن است در فرهنگی رفتارهای خاصی با ناکارآمدی عملکرد زوجین مرتبط باشند، درحالی که در فرهنگی دیگر همان رفتارها در عملکرد زوجین مشکلی ایجاد نکنند (تومیتو^{۱۴}، ۱۹۹۴؛ هالفورد، هالوگ^{۱۵} و دان^{۱۶}، ۱۹۹۰).

بدین ترتیب در سازگاری زناشویی زوجین ایرانی نیز انتظار می‌رود به جز عوامل مشترک مذکور، عوامل تأثیرگذار فرهنگ بسته دیگری نیز نقش‌آفرین باشند. به جز متغیرهای اخیر، خانواده اصلی زن و شوهر و کیفیت ارتباط بین زوج و آن‌ها نیز، نقش مهمی در سازگاری و ثبات زندگی زناشویی زوجین ایرانی ایفا می‌کند. نقش ارتباط زوجین با خانواده یکدیگر آنقدر مهم است که در پژوهش‌های انجام شده در زمینه شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق در ایران، عامل مذکور جزو ۵ عامل اول و مهم پیش‌بینی‌کننده طلاق معرفی شده است (فاتحی‌زاده، بهجتی و نصرافهانی، ۱۳۸۴؛ سامانی، ۱۳۸۶؛ زرگر و نشاط‌دوست، ۱۳۸۶؛ قطبی، هلاکویی، جزایری و رحیمی، ۱۳۸۶؛ مظاهری، صادقی، روشن، اشتریان، احمدی، حمیدی و همکاران، ۱۳۸۷).

در حالی که در بین نتایجی که از حجم وسیع پژوهش‌های سایر جوامع در زمینه عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی به دست آمده است، کیفیت ارتباط با خانواده همسر از چنین جایگاه مهمی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی برخوردار نمی‌باشد و عوامل دیگری همچون میزان زمان سپری شده در کنار هم، مهارت‌های ارتباطی زوج، فعالیت‌های لذت‌بخش دو نفره، امنیت مالی، مهارت‌های حل مسئله، برخورداری از منابع حمایت بیرونی، رضایت جنسی، مهارت مقابله با استرس و مهارت‌های ارتباطی در صدر عوامل پیش‌بینی‌کننده سازگاری و ثبات در زندگی زناشویی ذکر شده‌اند (اپستین و باکوم، ۲۰۰۲؛ بلورتن^{۱۷}، ۲۰۰۵؛ کرایدر^{۱۸}، ۱۹۹۸؛ والر^{۱۹} و مک‌لانهان^{۲۰}، ۲۰۰۵؛ دوپلیسیس^{۲۱}، ۲۰۰۸؛ استوری^{۲۲} و برادبری^{۲۳}، ۲۰۰۴).

به نظر می‌رسد مسئله مشکل با خانواده همسر و تأثیر شدید آن بر ثبات زندگی زناشویی یک مسئله وابسته به فرهنگ در جامعه ایرانی باشد. بررسی نتایج پژوهش‌های این حوزه نشان می‌دهد که اگرچه زوجین ایرانی در الگوهای تعامل منفی (مثل انتقاد، عصبانیت، رفتار تدافعی، دیوار سنگی) مشابه زوجین سایر بافت‌های فرهنگی عمل می‌کنند اما برخی الگوهای رفتاری خاصی را دارا می‌باشند که مشابه آن در سایر بافت‌های فرهنگی مشاهده نشده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «انتقاد و توهین به خانواده همسر» است. موضوعات مرتبط با خانواده همسر شامل ناسزاگویی به خانواده همسر، شکایت از آن‌ها، اختلاف نظر زوجین در مورد نحوه برخورد با خانواده‌های یکدیگر، مشاجره زوجین بر سر دخالت خانواده‌ها و متهم کردن خانواده‌های یکدیگر در ایجاد مشاجرات می‌باشد (صادقی، ۱۳۸۹).

بنابراین خانواده‌های اصلی زوجین ایرانی نقش مهمی در کیفیت و پایداری روابط آن‌ها ایفا می‌کنند. آن‌ها نه تنها نقش مهمی در انتخاب همسر برای فرزندان‌شان ایفا می‌کنند، بلکه تأثیر بسزایی در کیفیت رضایت زناشویی آن‌ها در آینده نیز دارند (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۷؛ مظاهری، صادقی، نصرآبادی، انصاری‌نژاد و عباسی، ۱۳۸۸).

با توجه به اهمیت مسئله ارتباط زوجین با خانواده یکدیگر در فرهنگ ایرانی، این مسئله چندان دور از انتظار نیست که یکی از موضوعات خاص تعارض‌برانگیز در تعاملات زوجین ایرانی که در سایر بافت‌های فرهنگی کمتر گزارش شده است، مشکل با خانواده همسر باشد. با عنایت به این مسئله که مشکل با خانواده همسر در روابط زوجین ایرانی آنقدر تأثیرگذار است که جزو پنج عامل اول تعیین‌کننده طلاق در پژوهش‌های حوزه خانواده گزارش شده است (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد بررسی مسئله ارتباط زوجین با خانواده‌های اصلی یکدیگر و توجه و پرداختن به آن در کلیه مطالعات و مداخلات مربوط به حوزه خانواده در ایران ضروری است. برای نیل به این هدف لازم است در گام نخست ماهیت موضوع ارتباط با خانواده همسر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و سپس بر اساس آن مداخلات مناسب در این حیطة طراحی گردد. حوزه‌های ناشناخته و سؤالات

پاسخ داده نشده زیادی درباره کیفیت رابطه با خانواده همسر موجود است که نیاز به انجام پژوهش‌هایی در این زمینه را نشان می‌دهد. با شناخت ماهیت رابطه با خانواده همسر، بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت این رابطه و یا حتی آگاهی یافتن از مراحل تحول این رابطه است که می‌توان به طراحی مداخلات پیشگیرانه یا درمانی در این حوزه دست یافت.

تاکنون مطالعاتی در زمینه تأثیر خانواده‌های اصلی زن و مرد بر کیفیت رابطه زناشویی آن‌ها در ایران انجام شده است اما نگاه آن‌ها به مسئله بیشتر از بابت پاسخ به این سؤال بوده است که ارتباط افراد با خانواده اصلی خودشان بر کیفیت روابط زناشویی آن‌ها چه تأثیری خواهد داشت که نتایج آن‌ها نشان داده است برقراری روابط مؤثر بین فرزندان و اعضای خانواده اصلی و تمایز یافتگی از خانواده اصلی، پیش‌نیاز مهمی برای سلامت روان و ایجاد رابطه موفق آن‌ها با همسرشان در آینده می‌باشد (آریامنش، فلاح‌چای و زارعی، ۱۳۹۲؛ زارعی، فرحبخش و اسمعیلی، ۱۳۹۰). اما نوع نگاه و حوزه اصلی تمرکز این پژوهش‌ها احتمالاً متفاوت از ماهیت مسائل و مشکلاتی است که هر یک از زوجین با خانواده‌های اصلی یکدیگر دارند. موضوع اصلی در این پژوهش‌ها ارتباط فرد با خانواده اصلی‌اش و تأثیر مطلوب یا نامطلوب این ارتباط در رابطه با همسرش در آینده می‌باشد. این موضوع متفاوت از نحوه ارتباط هریک از زوجین با خانواده‌های اصلی طرف مقابل می‌باشد. بنابراین احتمالاً تنها با مطالعه نتایج پژوهش‌های مذکور نمی‌توان به درک صحیحی از ارتباط زوجین ایرانی با خانواده همسر نائل گردید و یا مداخلات مناسبی برای این حوزه طراحی کرد.

بررسی مطالعات انجام شده در حوزه سازگاری زناشویی و زوج‌درمانی نشان می‌دهد که پژوهش‌های اندکی انجام شده است که به طور مستقیم به بررسی پدیده ارتباط با خانواده همسر و عوامل مؤثر بر کیفیت آن در زوجین ایرانی پرداخته باشد (چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی، چاپ نشده). در تعداد قابل توجهی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه زوج و خانواده تنها از کیفیت پایین ارتباط با خانواده همسر به عنوان یکی از عوامل دخیل در سازگاری ضعیف زناشویی نام برده شده و برقراری ارتباط رضایت‌بخش زوجین با خانواده‌های یکدیگر و حمایت خانواده‌های زوجین از آن‌ها به عنوان عاملی مؤثر در سازگاری زناشویی بالا گزارش شده است (به عنوان نمونه صادقی، ۱۳۸۹؛ فاتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). اما این‌که چه مواردی با برقراری ارتباط رضایت‌بخش یا مشکل‌زا با خانواده همسر مرتبطند، موضوع تحقیقات قبلی نبوده است. بنابراین می‌توان گفت پژوهش‌های انجام شده در زمینه سازگاری و رضایت زناشویی زوجین ایرانی جایگاه مهمی برای ارتباط با خانواده همسر قائلند اما بیان نکرده‌اند که کدام متغیرها در برقراری ارتباط رضایت‌بخش با خانواده همسر نقش بازی می‌کنند.

بنابراین مقاله حاضر اولین گام به حوزه ناشناس رابطه با خانواده همسر محسوب می‌شود. مؤلفان براساس بررسی نظریات خانواده‌درمانی بین نسلی و تحقیقات موجود پیشین درباره روابط زوجین با

یکدیگر و خانواده‌های اصلی‌شان احتمالاتی درباره عوامل مؤثر بر رضایت از رابطه با خانواده همسر در ذهن داشتند. مؤلفان چنین می‌پنداشتند که احتمالاً کنش‌ها و واکنش‌های هر یک از همسران و خانواده‌های آن‌ها با رضایت از رابطه بین همسران با خانواده‌های یکدیگر مرتبط است. در مقاله حاضر که بخش اول و کوچکی از پژوهش مفصلی است که مؤلفان با هدف شناسایی ماهیت رابطه زوجین با خانواده‌های یکدیگر در حال اجرای آن هستند، هدف اصلی یافتن عوامل مرتبط با رضایت از رابطه با خانواده همسر بود. بدین ترتیب در گام اول تصمیم گرفته شد از طریق مقایسه ابعاد مختلف رابطه با خانواده همسر در افراد راضی و ناراضی از رابطه مذکور عوامل مهم و مرتبط با کیفیت ارتباط با خانواده همسر شناسایی گردد. با این استدلال که از طریق مقایسه افراد راضی و ناراضی از ارتباط با خانواده همسر می‌توان مؤلفه‌های تعیین‌کننده در رابطه با خانواده همسر را شناسایی نمود.

روش

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

در این پژوهش جامعه آماری عبارت بود از کلیه افراد متأهل ساکن شهرهای تهران، کرج، ساری، یزد، ارومیه و سنندج. معیار ورود افراد به پژوهش گذشتن حداقل یک سال از شروع زندگی مشترک و وجود حداقل یک عضو (مادر، پدر، خواهر و برادر) در خانواده اصلی همسر بود.

شیوه نمونه‌گیری این پژوهش از نوع در دسترس بود. در گام اول از بین شهرهای کشور ۶ شهر تهران، کرج، ساری، یزد، ارومیه و سنندج برای نمونه‌گیری انتخاب شدند. در انتخاب شهرها علاوه بر توجه به در دسترس بودن آن‌ها برای اجرای پژوهش توسط محققان، سعی بر این بود که شهرها نماینده اکثر قومیت‌های اصلی ایرانی باشند و یا این که از مهاجرپذیری قومیتی بالایی برخوردار باشند. شیوه نمونه‌گیری در شهرها به این شکل بود که توزیع‌کنندگان پرسش‌نامه که از افراد بومی همان شهر بودند، حداقل سه محله از هر شهر که نمایانگر طبقات اقتصادی پایینی، متوسط و بالا بودند را انتخاب می‌کردند. سپس یکی از خیابان‌های هر محله به شکل تصادفی انتخاب می‌شد و به منازل خیابان مذکور مراجعه شده و پس از اطمینان از دارا بودن شرایط شرکت در تحقیق ساکنین منزل و رضایت آن‌ها نسبت به شرکت در پژوهش به آن‌ها پرسش‌نامه داده می‌شد. در نهایت پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری و برای نمره‌گذاری و ورود اطلاعات به کامپیوتر به مؤلف اول مقاله ارسال می‌شدند. در نمونه‌گیری سعی بر این بود که از جنسیت‌ها و طبقات اقتصادی - اجتماعی متفاوت به طور یکسان در افراد نمونه هر شهر گنجانده شود.

تعداد ۸۵۰ پرسش‌نامه بین شرکت‌کنندگان در تحقیق توزیع شد و پس از حذف پرسش‌نامه‌های مخدوش، در نهایت ۷۳۵ پرسش‌نامه باقی ماند. بنابراین افراد شرکت‌کننده اولیه در پژوهش شامل ۷۳۵ نفر بودند که تعداد ۳۸۵ نفر آن‌ها زن و ۳۵۰ نفر آن‌ها مرد بودند. تعداد افراد شرکت‌کننده در تحقیق از تهران ۱۷۱ نفر، کرج ۲۳۱ نفر، ساری ۹۲ نفر، یزد ۹۴ نفر، ارومیه ۶۸ نفر و سنندج ۷۹ نفر

بودند. میانگین سن زنان ۳۴/۲۱ و انحراف معیار آن ۹/۰۰ بود. در مردان نیز میانگین سنی ۳۷/۸۷ و انحراف معیار ۹/۷۰ بود.

پس از استخراج نمرات پرسش‌نامه‌ها و ورود آن‌ها به نرم‌افزار SPSS، افراد راضی و ناراضی از رابطه با خانواده همسر مشخص شدند. به این ترتیب که در پرسش‌نامه سؤالی برای سنجش میزان رضایت از رابطه وجود داشت که در آن از شرکت‌کننده خواسته می‌شد میزان رضایت خود از رابطه با خانواده همسرش را با عددی بین صفر تا بیست مشخص کند. برای تعیین افراد راضی و ناراضی از روش تعیین صدک استفاده شد. در گام اول صدک‌های ۷۵، ۸۰ و ۹۰ برای تعیین افراد راضی از رابطه و صدک‌های ۲۵، ۲۰ و ۱۰ برای تعیین افراد ناراضی از رابطه بررسی شدند. جدول ۱ نمرات مربوط به هر صدک را نشان می‌دهد.

صدک‌های ۸۰ و ۲۰ به عنوان مرز تعیین افراد راضی و ناراضی از رابطه انتخاب شدند. زیرا همان‌طور که جدول نشان می‌دهد صدک ۹۰ مربوط به نمره ۲۰ بود و از آن‌جا که نمره ۲۰ بالاترین نمره محسوب می‌شد، استفاده از آن برای تعیین افراد راضی منطقی به نظر نمی‌رسید. صدک ۷۵ و ۲۵ نیز شامل نمرات ۱۸ و ۱۵ می‌شد. از آن‌جا که نقطه برش بالا و پایین مذکور تنها سه نمره اختلاف داشتند انتخاب صدک ۷۵ و ۲۵ نیز برای تعیین افراد راضی و ناراضی چندان منطقی به نظر نمی‌رسید. بدین ترتیب صدک ۸۰ و ۲۰ برای تعیین افراد راضی و ناراضی از ارتباط انتخاب شدند که شامل نمرات ۱۹ و ۱۴ بودند. بنابراین در نهایت افرادی که میزان رضایت از رابطه با خانواده همسر را با عدد ۱۹ یا بالاتر گزارش کرده بودند به عنوان افراد راضی (۱۶۷ نفر) و افرادی که میزان رضایتشان از رابطه با خانواده همسرشان را با عدد ۱۴ و پایین‌تر از آن مشخص کرده بودند به عنوان افراد ناراضی (۱۶۶ نفر) تعیین شدند.

جدول ۱: نمرات رضایت از رابطه مربوط به صدک‌های بالا و پایین

صدک‌های پایین			صدک‌های بالا			نمره رضایت از رابطه (۰-۲۰)
۱۰	۲۰	۲۵	۷۵	۸۰	۹۰	
۱۰	۱۴	۱۵	۱۸	۱۹	۲۰	

ابزار

از آن‌جا که هیچ ابزار داخلی که به شکل خاص کیفیت ارتباط با خانواده همسر را مورد سنجش قرار دهد توسط مؤلفین یافت نشد و بررسی ابزارهای خارجی که در برخی خرده‌مقیاس‌های خود به بررسی رابطه با خانواده همسر می‌پرداختند (مانند پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ) نشان داد که ابزارهای مذکور با مؤلفه‌های فرهنگی ایرانی مطابقت ندارند، محققان بر آن شدند که برای سنجش کیفیت رابطه با خانواده همسر پرسش‌نامه‌ای طراحی نمایند.

برای ساخت پرسش‌نامه مؤلف اول مقاله با پنج تن از متخصصان زوج‌درمانگر و خانواده‌درمانگر مصاحبه کرد و از آن‌ها خواست فهرستی از عوامل مرتبط با رضایت زوجها از رابطه با خانواده همسر ارائه دهند. سپس بر اساس فهرست شکل گرفته مجموعه‌ای از سؤالات طراحی و نگاشته شد. سؤالات در اختیار ۲۰ فرد متأهل قرار گرفت و نظرات آن‌ها درباره قابل فهم بودن سؤالات بررسی شد. در ضمن از افراد مذکور خواسته شد که در صورتی که براساس تجربه آن‌ها سؤالات دیگری می‌تواند با رضایت افراد از رابطه با خانواده همسرشان مرتبط باشد، آن‌ها را بیان کنند. پس از انجام اصلاحات صورت‌گرفته در پرسش‌نامه بر اساس نظرات افراد متأهل پرسش‌نامه نهایی مجدداً به متخصصان برای بازبینی و تأیید عودت داده شد. پس از تأیید متخصصان پرسش‌نامه نهایی تدوین گردید. پرسش‌نامه دارای ۶۱ ماده بود که موضوعاتی چون کیفیت رابطه همسران با دو خانواده، رضایت دو خانواده اصلی برای ازدواج زوج، میزان تماس تلفنی و ملاقات زوج با دو خانواده، برآورد سهم دو خانواده در ایجاد تعارضات زناشویی، میزان تبادل کمک‌های مالی و غیرمالی از جانب زوج و دو خانواده، علل، موضوعات و شیوه واکنش به تعارضات پیش‌آمده با دو خانواده از جانب زوج، میزان رضایت فرد از کیفیت رابطه با خانواده همسر، میزان رضایت فرد از کیفیت رابطه همسرش با خانواده اصلی، میزان جانبداری همسران از خانواده خودشان در برابر یکدیگر، سیر تحول رابطه زوج با خانواده‌های یکدیگر و کیفیت تعاملات فرزندان با دو خانواده را مورد سنجش قرار می‌داد.

نمره‌گذاری برخی از سؤالات به شکل لیکرت (۴۰ سؤال)، برخی به شکل صفر و یک بود. یعنی برای پاسخ به آن سؤال تعدادی گزینه به شرکت‌کننده ارائه می‌گردید که باید از بین آن‌ها گزینه مورد نظر را انتخاب می‌کرد (۱۹ سؤال). برخی دیگر از سؤالات نیز به گونه‌ای بود که شرکت‌کننده باید میزان رضایت خود از رابطه را با انتخاب عددی از یک تا ۲۰ اعلام می‌کرد (دو سؤال).

برای تعیین عوامل یا مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این پرسش‌نامه از تحلیل عامل اکتشافی با روش چرخش متعامد استفاده شده است. البته لازم به توضیح است که تحلیل عوامل در مورد سؤالاتی که به شیوه لیکرت نمره‌گذاری شده بودند انجام گردید (۴۰ سؤال). چهار عامل به ترتیب خرسندی زوجین از ارتباط با دو خانواده (۱۷ آیتم)، کیفیت ارتباط زوج با خانواده همسر (۷ آیتم)، کیفیت ارتباط زوج با خانواده اصلی (۶ آیتم) و دریافت و ارائه کمک بین زوج و دو خانواده (۶ آیتم) نام‌گذاری شده‌اند.

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای محاسبه شده برای سؤالات کمی (۴۰ سؤال) پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۸ بود. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر یک از ۴ عامل به ترتیب عبارت از ۰/۸۸، ۰/۸۱، ۰/۷۱ و ۰/۵۷ بوده است. لازم به ذکر است که محققان براساس بررسی‌های انجام شده روی این ابزار و اطلاعات جمع‌آوری شده از سایر مطالعات

خود ابزار نهایی برای سنجش رابطه با خانواده همسر طراحی کرده و ویژگی‌های روان‌سنجی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند (چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی، چاپ نشده).

یافته‌ها

پاسخ‌های افراد دو گروه راضی و ناراضی در زمینه‌های مختلف مطرح شده در پرسش‌نامه مورد مقایسه قرار گرفتند. یافته‌های انبوه به دست آمده از پژوهش در شش طبقه دسته‌بندی شدند. در ادامه نتایج مقایسه دو گروه راضی و ناراضی از نظر متغیرهای دموگرافیک، تحول رابطه، تعارض با خانواده همسر، نقش خانواده همسر در تعارضات زناشویی، دریافت و ارائه کمک بین زوج و خانواده همسر و رفتارهای همسر ارائه می‌شوند.

متغیرهای دموگرافیک: ابتدا دو گروه افراد راضی و ناراضی از ارتباط با خانواده همسر از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی مورد مقایسه قرار گرفتند. افراد راضی و ناراضی از ارتباط با خانواده همسر تفاوت معناداری از نظر متغیرهای میزان تحصیلات، شغل یا نحوه آشنایی با همسر نشان ندادند. اما در متغیرهای جنسیت، شهر محل سکونت و همسانی محل سکونت زوجین و خانواده‌های اصلی آن‌ها بین دو گروه تفاوت وجود داشت. جدول ۲ فراوانی مشاهده شده و نتایج آزمون χ^2 در سه متغیر فوق را در دو گروه راضی و ناراضی نشان می‌دهد. چنانچه در جدول مشاهده می‌شود در گروه افراد ناراضی تعداد زنان و در گروه افراد راضی تعداد مردان بیشتر است. در تهران و کرج تعداد افراد ناراضی بر افراد راضی غلبه دارد. در حالی که این مسئله درباره چهار شهر دیگر صادق نبود. یافته جالب توجه دیگر این است که دو گروه راضی و ناراضی از نظر همسانی شهر محل سکونت‌شان با خانواده اصلی و خانواده همسر تفاوت معناداری نشان می‌دهند.

بر اساس نتایج، تنها در گروهی از افراد که شهر محل سکونت‌شان با دو خانواده اصلی زوج یکسان است افراد راضی از رابطه بر افراد ناراضی غلبه دارند. اما در سایر گروه‌ها این نسبت‌ها معکوس هستند. درصد قابل توجهی از افرادی که خودشان، خانواده اصلی‌شان و خانواده همسرشان در سه شهر مختلف زندگی می‌کردند از ارتباط با خانواده همسرشان ناراضی بودند. نتایج آزمون t نشان داد که در هیچ یک از متغیرهای سن فرد، سن همسر، طول ازدواج و سن فرزند ارشد بین دو گروه راضی و ناراضی تفاوت معناداری موجود نیست.

روند تحول رابطه: برای بررسی روند تحول رابطه بین فرد با خانواده همسرش، سؤالی در پرسش‌نامه درباره وجود تغییرات محسوس در کیفیت رابطه با خانواده همسر موجود بود. شرکت‌کننده برای پاسخ به این سؤال باید یکی از شش گزینه ارائه شده را انتخاب می‌کرد. فراوانی مشاهده شده پاسخ‌های افراد راضی و ناراضی به این سؤال در جدول ۳ ارائه شده است. برای بررسی تفاوت بین دو گروه از نظر روند تحول رابطه با خانواده همسر از آزمون χ^2 استفاده شد.

جدول ۲: فراوانی مشاهده شده و نتایج تحلیل متغیرهای جنسیت و شهر محل سکونت در دو گروه افراد راضی و ناراضی

نتایج آزمون خی دو	مجموع کل	افراد راضی	افراد ناراضی		
			زن	مرد	
Continuity Correction = ۲۸/۴۹۰ df = ۱ p < ۰/۰۰۱	۱۸۰ ٪۱۰۰	۶۶ ٪۳۶/۷	۱۱۴ ٪۶۳/۳	زن	جنسیت
	۱۵۳ ٪۱۰۰	۱۰۱ ٪۶۶/۰	۵۲ ٪۳۴/۰	مرد	
$\chi^2 = ۱۶/۹۲۴$ df = ۵ p < ۰/۰۰۵	۸۰ ٪۱۰۰	۳۳ ٪۴۱/۲	۴۷ ٪۵۸/۸	تهران	شهر محل سکونت زوج
	۱۱۷ ٪۱۰۰	۴۸ ٪۴۱/۰	۶۹ ٪۵۹/۰	کرج	
	۳۷ ٪۱۰۰	۲۱ ٪۵۶/۸	۱۶ ٪۴۳/۲	ساری	
	۳۶ ٪۱۰۰	۲۳ ٪۶۳/۹	۱۳ ٪۳۶/۱	یزد	
	۳۰ ٪۱۰۰	۲۱ ٪۷۰/۰	۹ ٪۳۰/۰	ارومیه	
	۳۳ ٪۱۰۰	۲۱ ٪۶۳/۶	۱۲ ٪۳۶/۴	سنندج	
$\chi^2 = ۱۰/۸۹۹$ df = ۴ p < ۰/۰۳	۱۶۵ ٪۱۰۰	۹۶ ٪۵۸/۲	۶۹ ٪۴۱/۸	هر سه خانواده در یک شهر	محل سکونت زوج و خانواده‌های اصلی
	۳۸ ٪۱۰۰	۱۷ ٪۴۴/۷	۲۱ ٪۵۵/۳	زوج و خانواده اصلی فرد در یک شهر	
	۴۳ ٪۱۰۰	۲۰ ٪۴۶/۵	۲۳ ٪۵۳/۵	زوج و خانواده همسر در یک شهر	
	۵۰ ٪۱۰۰	۲۲ ٪۴۴/۰	۲۸ ٪۵۶/۰	خانواده اصلی و خانواده همسر در یک شهر	
	۲۸ ٪۱۰۰	۸ ٪۲۸/۶	۲۰ ٪۷۱/۴	سه خانواده در سه شهر مختلف	

بین دو گروه از نظر روند تحول رابطه با خانواده همسر تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. از نتایج جدول ۳ مشاهده می‌شود که ۸۲٪ افراد راضی رابطه خودشان با خانواده همسر را همواره در حال بهبود یا همواره مطلوب گزارش می‌کنند. به جز دو گزینه همواره رو به بهبود و همواره مطلوب سایر گزینه‌ها توسط افراد ناراضی بیشتر از افراد راضی انتخاب شده‌اند.

از نکات قابل توجه در جدول این است که در گروه ناراضی، پربسامدترین پاسخ در روند تحول رابطه با خانواده همسر، رابطه دارای نوسان است. یافته جالب توجه دیگر این است که ۹/۶٪ افراد ناراضی از رابطه با خانواده همسر روند تحول رابطه‌شان با خانواده همسرشان را ابتدا نامطلوب ولی در حال حاضر مطلوب توصیف کرده‌اند. همچنین بیش از ۱۵/۷٪ از افراد ناراضی گزارش کرده‌اند که رابطه‌شان با خانواده همسرشان ابتدا مطلوب بوده ولی در حال حاضر کیفیت رابطه نامطلوب است.

جدول ۳: مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار از روند تحول رابطه با خانواده

همسر در افراد راضی و ناراضی

آزمون خی دو	مجموع کل	همواره مطلوب بدون تغییر	همواره نامطلوب بدون تغییر	ابتدا مطلوب اکنون نامطلوب	ابتدا نامطلوب اکنون مطلوب	دارای نوسان	همواره رو به وخامت	همواره رو به بهبود	
$\chi^2 = 1/47$ df=6 P<0/001	۱۶۶	۱۹	۱۳	۲۶	۱۶	۷۶	۷	۹	ناراضی
	%۱۰۰	%۱۱/۵	%۷/۸	%۱۵/۷	%۹/۶	%۴۵/۸	%۴/۲	%۵/۴	
	۱۶۷	۷۱	۲	۳	۹	۱۵	۱	۶۶	راضی
	%۱۰۰	%۴۲/۵	%۱/۲	%۱/۸	%۵/۴	%۹/۰	%۰/۶	%۳۹/۵	

تعارض با خانواده همسر: برای پاسخ به علت تعارضات پیش آمده با خانواده همسر ۱۳ گزینه موجود بود که افراد می توانستند بیش از یک گزینه را انتخاب کنند. جدول ۴ فراوانی مشاهده شده علت تعارض با خانواده همسر از نظر افراد راضی و ناراضی و نتایج تصحیح یتس را نشان می دهد. همان طور که در جدول ها مشاهده می شود در هر دو گروه پربسامدترین علت تعارض ارزش های متفاوت فرد با خانواده همسرش گزارش شده است. نتایج نشان داد که افراد ناراضی از ارتباط با خانواده همسر به جز گزینه های اختلاف سنی، زندگی در منزل مشترک و وابستگی اقتصادی به خانواده همسر سایر گزینه ها را به طور معناداری بیشتر از افراد راضی انتخاب کرده بودند.

جدول ۴: مقادیر مشاهده شده علت تعارض با خانواده همسر در افراد

راضی و ناراضی و نتایج تصحیح یتس

رفتار نامناسب از جانب خانواده همسر با فرد	بدگویی خانواده همسر از فرد نزد همسر	طرفداری همیشگی از همسر هنگام اختلافات پیش آمده	ارزش های متفاوت خانواده همسر	سبک زندگی متفاوت خانواده همسر	تبعیض بین همسر فرد با سایر فرزندان خانواده	تبعیض بین فرد با سایر عروس ها یا دامادها	
۵۰	۲۹	۳۳	۶۱	۴۷	۳۰	۳۶	ناراضی
%۷۳/۵	%۸۵/۳	%۸۹/۲	%۶۸/۵	%۶۶/۲	%۶۶/۷	%۶۷/۹	
۱۸	۵	۴	۲۸	۳۴	۱۵	۱۷	راضی
%۲۶/۵	%۱۴/۷	%۱۰/۸	%۳۱/۵	%۳۳/۸	%۳۳/۳	%۳۲/۱	
۶۸	۳۴	۳۷	۸۹	۷۱	۴۵	۵۳	مجموع کل
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	
۱۷/۹۹	۱۷/۴۸	۲۴/۰۳	۱۵/۹۷	۸/۸۳	۵/۱۳	۷/۴۰	تصحیح یتس
df=۱	df=۱	df=۱	df=۱	df=۱	df=۱	df=۱	
P<0/001	P<0/001	P<0/001	P<0/001	P<0/003	P<0/02	P<0/007	
وابستگی اقتصادی به خانواده همسر	زندگی در منزل مشترک	اختلاف زبان و قومیت	اختلاف سطح تحصیلات	اختلاف طبقه اقتصادی- اجتماعی	اختلاف سنی		
۳	۱۰	۱۷	۲۰	۵۱	۱۱	ناراضی	
%۴۲/۹	%۴۷/۶	%۷۳/۹	%۷۴/۱	%۶۸/۰	%۵۷/۹		
۴	۱۱	۶	۷	۳۴	۸	راضی	
%۵۷/۱	%۵۲/۴	%۲۶/۱	%۲۵/۹	%۳۲/۰	%۴۲/۱		
۷	۲۱	۲۳	۲۷	۷۵	۱۹	مجموع کل	
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰		
۰/۰۰	۰/۰۰	۴/۷۳	۵/۸۸	۱۱/۸۴	۰/۴۴	تصحیح یتس	
df=۱	df=۱	df=۱	df=۱	df=۱	df=۱		
P<۱/۰۰	P<۱/۰۰	P<0/03	P<0/01	P<0/001	P<0/63		

جدول شماره ۵ فراوانی مشاهده شده را برای موضوعات تعارض با خانواده همسر از نظر افراد راضی و ناراضی نشان می‌دهد. نتایج آزمون خی‌دو نشان داد که افراد ناراضی در مقایسه با افراد راضی با خانواده همسرشان در تمام حوزه‌های مورد سنجش بیشتر تعارض دارند. تنها موضوعات تعارضی که دو گروه راضی و ناراضی در آن تفاوت معناداری نشان ندادند، دخالت مستقیم خانواده همسر در زندگی مشترک زوج و یا دخالت آن‌ها در تربیت فرزند بود.

جدول ۵: مقادیر مشاهده شده موضوعات تعارض با خانواده همسر در افراد

راضی و ناراضی و نتایج تصحیح یتس

انتظارات غیرمنطقی خانواده همسر از فرد	تبعیض بین فرزند و سایر نوه‌ها	تبعیض بین همسر فرد با سایر فرزندان خانواده	تبعیض بین فرد با سایر عروس‌ها یا دامادها	دخالت خانواده همسر در تربیت فرزندان	تأثیر خانواده همسر بر تصمیمات همسر	حضور زیاد خانواده همسر در منزل زوج	دخالت مستقیم خانواده همسر	مسائل مالی	
۶۰ ٪۶۶/۷	۱۴ ٪۷۷/۸	۲۶ ٪۷۴/۳	۳۳ ٪۷۸/۶	۱۲ ٪۵۲/۲	۴۷ ٪۸۲/۵	۱۱ ٪۱۰۰/۰	۴۲ ٪۵۹/۷	۲۱ ٪۸۰/۸	ناراضی
۳۰ ٪۳۳/۳	۴ ٪۲۲/۲	۹ ٪۲۵/۷	۹ ٪۲۱/۴	۱۱ ٪۴۷/۸	۱۰ ٪۱۷/۵	۰ ٪۰/۰	۲۹ ٪۴۰/۳	۵ ٪۱۹/۲	راضی
۹۰ ٪۱۰۰	۱۸ ٪۱۰۰	۳۵ ٪۱۰۰	۴۲ ٪۱۰۰	۲۳ ٪۱۰۰	۵۷ ٪۱۰۰	۱۱ ٪۱۰۰	۷۲ ٪۱۰۰	۲۶ ٪۱۰۰	مجموع کل
۱۳/۰۴ df=۱ P<۰/۰۰۱	۴/۸۱ df=۱ P<۰/۰۳	۸/۲۸ df=۱ P<۰/۰۰۴	۱۴/۵۷ df=۱ P<۰/۰۰۱	۰/۰۰ df=۱ P<۰/۰۹۹	۲۷/۷۰ df=۱ P<۰/۰۰۱	۹/۴۶ df=۱ P<۰/۰۰۲	۳/۰۹ df=۱ P<۰/۰۰۸	۹/۴۸ df=۱ P<۰/۰۰۲	تصحیح یتس

جدول ۶ فراوانی مشاهده شده از نحوه واکنش به تعارضات پیش‌آمده و مقادیر تصحیح یتس را از نظر افراد راضی و ناراضی نشان می‌دهد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که پربسامدترین واکنش هنگام بروز تعارض با خانواده همسر در افراد ناراضی، کاهش تماس و رفت و آمد است. در حالی که پربسامدترین پاسخ در افراد راضی عبارت بود از نشان ندادن واکنش علی‌رغم ناراحتی. افراد راضی در مقایسه با افراد ناراضی بیشتر گزینه‌های نادیده گرفتن تعارض و نشان ندادن واکنش علی‌رغم ناراحتی را انتخاب کرده‌اند. نتایج آزمون خی‌دو نیز نشان داد که افراد ناراضی در مقایسه با افراد راضی هنگام بروز تعارض با خانواده همسر بیشتر به شیوه کاستن از تماس و رفت و آمد خود با خانواده همسر، کاستن از تماس و رفت و آمد فرزندان خود با خانواده همسر و تلافی واکنش نشان می‌دهند.

هم‌چنین براساس نتایج جدول ۶ افراد ناراضی در پاسخ به سؤال نحوه واکنش خانواده همسر به تعارضات پیش‌آمده گزینه کاهش دادن تماس و رفت و آمد را بیشتر از سایر گزینه‌ها انتخاب کرده‌اند. در حالی که افراد راضی در پاسخ به این سؤال گزینه نادیده گرفتن تعارض را بیش از سایر گزینه‌ها انتخاب کرده‌اند. نتایج آزمون خی‌دو نشان داد که افراد ناراضی از ارتباط با خانواده همسر در

مقایسه با افراد راضی از این ارتباط بیشتر معتقدند که خانواده همسرشان هنگام ایجاد تعارض تماسشان را با آنها و فرزندانشان کاهش می‌دهند، از همسرشان می‌خواهند که مداخله کند و یا دست به تلافی می‌زنند. اما افراد راضی در مقایسه با افراد ناراضی در پاسخ به این سؤال بیشتر گزینه‌های نادیده گرفتن تعارض و نشان ندادن واکنش علی‌رغم ناراحتی از جانب خانواده همسر را انتخاب کرده بودند. در مورد در میان گذاشتن مستقیم مسئله تعارض با فرد بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد.

جدول ۶: مقادیر مشاهده شده نحوه واکنش طرفین به تعارضات پیش آمده

تلافی	درمیان گذاشتن مستقیم مسئله با طرف مقابل	نشان ندادن واکنش علی‌رغم ناراحتی	نادیده گرفتن تعارض	درخواست مداخله از همسر	کاهش تماس و رفت و آمد فرزندان با خانواده همسر	کاهش تماس و رفت و آمد با طرف مقابل		
۱۶ ٪۹۴/۱	۱۸ ٪۴۰/۹	۴۲ ٪۳۸/۹	۲۰ ٪۳۷/۴	۱۹ ٪۶۱/۳	۳۱ ٪۸۱/۶	۷۸ ٪۷۵/۰	ناراضی	واکنش فرد
۱ ٪۵/۹	۲۶ ٪۵۹/۱	۶۶ ٪۶۱/۱	۵۳ ٪۷۲/۶	۱۲ ٪۳۸/۷	۷ ٪۱۸/۴	۲۶ ٪۲۵/۰	راضی	
۱۲/۲۴ df=۱ P<۰/۰۰۱	۱/۲۳ df=۱ P<۰/۲۷	۷/۰۵ df=۱ P<۰/۰۰۸	۱۷/۷۲ df=۱ P<۰/۰۰۱	۱/۳۲ df=۱ P<۰/۲۵	۱۵/۸۷ df=۱ P<۰/۰۰۱	۳۶/۸۱ df=۱ P<۰/۰۰۱	تصحیح ییتس	
۲۶ ٪۸۶/۷	۲۳ ٪۵۰	۲۸ ٪۳۱/۵	۱۷ ٪۲۳/۶	۳۲ ٪۶۸/۱	۲۳ ٪۸۵/۲	۵۰ ٪۷۳/۵	ناراضی	واکنش اعضای خانواده همسر
۴ ٪۱۳/۳	۲۳ ٪۵۰	۶۱ ٪۶۸/۵	۵۵ ٪۷۶/۴	۱۵ ٪۳۱/۹	۴ ٪۱۴/۸	۱۸ ٪۲۶/۵	راضی	
۱۶/۲۹ df=۱ P<۰/۰۰۱	۰/۰ df=۱ P<۱/۰۰	۱۵/۴۴ df=۱ P<۰/۰۰۱	۲۳/۹۸ df=۱ P<۰/۰۰۱	۶/۴۵ df=۱ P<۰/۰۰۱	۱۳/۱۸ df=۱ P<۰/۰۰۱	۳۶/۸۱ df=۱ P<۰/۰۰۱	تصحیح ییتس	

نقش خانواده همسر در تعارضات زناشویی: در این بخش پاسخ‌های افراد دو گروه به سه سؤال پرسش‌نامه مورد مقایسه قرار می‌گیرند. سؤالات درباره برآورد میزان سهم خانواده همسر در تعارضات زناشویی، میزان به میان آمدن موضوع خانواده همسر و توهین به آنها در جریان مشاجرات زناشویی بود. برای مقایسه پاسخ‌های افراد دو گروه به این سؤالات از آزمون مان - ویتنی استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود بین پاسخ‌های دو گروه در پاسخ به این سؤالات تفاوت معناداری موجود است. به عبارت دیگر افراد گروه ناراضی در مقایسه با افراد راضی نقش خانواده همسرشان در شکل‌گیری تعارضات زناشویی را بیشتر برآورد کرده و بیشتر بیان کرده‌اند که در جریان مشاجرات زناشویی بحث را به خانواده همسرشان می‌کشاند حتی اگر موضوع به آنها مربوط نباشد و در جریان مشاجرات با همسرشان به خانواده او توهین می‌کنند.

جدول ۷: نتایج آزمون مان - ویتنی برای مقایسه نقش خانواده همسر

در تعارضات زناشویی دو گروه

میزان معناداری	U	مجموعه رتبه‌ها	رتبه میانگین	تعداد	گروه	
۰/۰۰۱	۳/۸۳	۱۷۶۹۰/۰۰	۱۰۶/۵۷	۱۶۶	ناراضی	سهم خانواده همسر در ایجاد تعارضات زناشویی
		۳۷۹۲۱/۰۰	۲۲۷/۰۷	۱۶۷	راضی	
۰/۰۰۱	۵/۸۸	۱۹۷۳۸/۰۰	۱۱۸/۹۰	۱۶۶	ناراضی	به میان آمدن بحث خانواده همسر در مشاجرات زناشویی
		۳۵۸۷۳/۰۰	۲۱۴/۸۱	۱۶۷	راضی	
۰/۰۰۱	۷/۵۷	۲۱۴۳۱/۰۰	۱۲۹/۱۰	۱۶۶	ناراضی	توهین به خانواده همسر در مشاجرات زناشویی
		۳۴۱۸۰/۰۰	۲۰۴/۶۷	۱۶۷	راضی	

دریافت و ارائه کمک بین زوج و دو خانواده: جدول ۸ نتایج آزمون مان- ویتنی برای مقایسه میزان کمک‌های مالی و غیرمالی مبادله شده بین زوج و خانواده‌های اصلی آن‌ها را در دو گروه نشان می‌دهد. براساس نتایج افراد راضی بیشتر از افراد ناراضی بیان کرده‌اند که خانواده همسرشان در صورت لزوم به آن‌ها کمک مالی یا غیرمالی می‌کنند و زوج به خانواده همسر وابستگی مالی دارند.

جدول ۸: نتایج آزمون مان - ویتنی برای مقایسه میزان کمک‌های مالی و غیرمالی

مبادله شده با خانواده‌های اصلی در دو گروه

میزان معناداری	U	مجموعه رتبه‌ها	رتبه میانگین	تعداد	گروه	
۰/۰۰۱	۷/۲۱	۲۱۰۷۵/۵۰	۱۲۶/۹۶	۱۶۶	ناراضی	حمایت مالی خانواده همسر از زوج در صورت نیاز
		۳۴۲۰۲/۵۰	۲۰۶/۰۴	۱۶۶	راضی	
۰/۲۶	۱/۲۹	۲۶۷۵۴/۵۰	۱۶۱/۱۷	۱۶۶	ناراضی	حمایت مالی خانواده اصلی از زوج در صورت نیاز
		۲۸۸۵۶/۵۰	۱۷۲/۷۹	۱۶۷	راضی	
۰/۵۶	۱/۳۱	۲۶۸۱۲/۵۰	۱۶۲/۵۰	۱۶۵	ناراضی	میزان کمک های غیرمالی خانواده اصلی به زوج
		۲۷۸۰۲/۵۰	۱۶۸/۵۰	۱۶۵	راضی	
۰/۰۰۱	۷/۳۶	۲۱۰۵۸/۵۰	۱۲۷/۶۳	۱۶۵	ناراضی	میزان کمک های غیرمالی خانواده همسر به زوج
		۳۳۸۸۷/۵۰	۲۰۴/۱۴	۱۶۶	راضی	
۰/۰۵	۱/۲۵	۲۸۹۳۲/۰۰	۱۷۴/۲۹	۱۶۶	ناراضی	میزان وابستگی مالی زوج به خانواده همسر
		۲۶۳۴۶/۰۰	۱۵۸/۷۱	۱۶۶	راضی	
۰/۱۱	۱/۲۶	۲۶۵۰۴/۰۰	۱۵۹/۶۶	۱۶۶	ناراضی	میزان وابستگی مالی زوج به خانواده اصلی
		۲۸۷۷۴/۰۰	۱۷۳/۳۴	۱۶۶	راضی	
۰/۰۰۱	۹/۸۴	۲۳۷۰۴/۵۰	۱۴۲/۸۰	۱۶۶	ناراضی	نیاز خانواده همسر به حمایت مالی زوج
		۳۱۹۰۶/۵۰	۱۹۱/۰۶	۱۶۷	راضی	
۰/۷۴	۱/۳۶	۲۷۹۵۰/۰۰	۱۶۸/۳۷	۱۶۶	ناراضی	نیاز خانواده اصلی به حمایت مالی زوج
		۲۷۶۶۱/۰۰	۱۶۵/۶۳	۱۶۷	راضی	
۰/۱۰	۱/۲۵	۲۶۳۹۲/۵۰	۱۵۸/۹۹	۱۶۶	ناراضی	نیاز خانواده همسر به کمک های غیرمالی زوج
		۲۹۲۱۸/۵۰	۱۷۴/۹۶	۱۶۷	راضی	
۰/۸۱	۱/۳۷	۲۷۵۱۳/۵۰	۱۶۵/۸۵	۱۶۶	ناراضی	نیاز خانواده اصلی به کمک های غیرمالی زوج
		۲۸۰۷۹/۵۰	۱۶۸/۱۴	۱۶۷	راضی	

اما بین دو گروه در زمینه دریافت کمک مالی یا غیرمالی از سوی خانواده اصلی و میزان وابستگی مالی زوج به آن‌ها تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. از طرفی افراد ناراضی از ارتباط با خانواده همسر بیشتر از افراد راضی اعلام کرده‌اند که خانواده همسرشان از نظر مالی نیازمند حمایت مالی زوج می‌باشند. اما از نظر میزان نیازمندی مالی خانواده اصلی به حمایت مالی زوج تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. هم‌چنین دو گروه از نظر میزان نیازمندی دو خانواده به کمک‌های غیرمالی تفاوت معناداری نشان نداده‌اند.

جدول ۹: نتایج آزمون مان - ویتنی برای مقایسه عوامل مرتبط به همسر در دو گروه

میزان معناداری	U	مجموعه رتبه‌ها	رتبه میانگین	تعداد	گروه	
۰/۰۰۱	۷/۳۶	۲۱۲۲۴/۵۰	۱۲۷/۸۶	۱۶۶	ناراضی	کیفیت ارتباط همسر فرد با خانواده‌اش
		۳۴۳۸۶/۵۰	۲۰۵/۹۱	۱۶۷	راضی	
۰/۰۰۱	۷/۲۲	۳۱۰۸۲/۰۰	۱۲۷/۰۰	۱۶۶	ناراضی	کیفیت ارتباط همسر فرد با خانواده فرد
		۳۴۵۲۹/۰۰	۲۰۶/۷۶	۱۶۷	راضی	
۰/۰۰۱	۹/۵۶	۲۳۴۲۲/۵۰	۱۴۱/۱۰	۱۶۶	ناراضی	ترجیح همسر به ملاقات فردی با خانواده‌اش
		۳۱۸۵۵/۵۰	۱۹۱/۹۰	۱۶۶	راضی	
۰/۰۰۱	۷/۰۲	۲۰۷۲۰/۰۰	۱۲۵/۵۸	۱۶۵	ناراضی	طرفداری غیرمنطقی همسر از خانواده‌اش
		۳۴۲۲۶/۰۰	۲۰۶/۱۸	۱۶۶	راضی	

بحث

پژوهش حاضر به دلیل تأکید پژوهش‌های متعدد قبلی بر نقش مهم کیفیت رابطه زوجین با خانواده‌های یکدیگر در موفقیت و یا شکست ازدواج آن‌ها انجام گردید. به همین دلیل ابعاد مختلف ارتباط با خانواده همسر در تعدادی از افراد متأهل راضی و ناراضی از ارتباط مذکور مورد بررسی قرار گرفت تا از این طریق عوامل مرتبط با رضایت از رابطه با خانواده همسر شناسایی شود. نتایج نشانگر تفاوت‌های معنادار در ابعاد مختلف رابطه با خانواده همسر در دو گروه راضی و ناراضی بود. یافته‌های حاصل از مقایسه دو گروه در متغیرهای دموگرافیک حاکی از آن بود که در بین افراد ناراضی از ارتباط با خانواده همسر، نسبت زنان به طور معناداری بیشتر از مردان است. این یافته می‌تواند نشانگر تفاوت کیفی رابطه با خانواده همسر در دو جنس باشد که البته نیاز به انجام پژوهشی مستقل برای بررسی دقیق‌تر این موضوع وجود دارد. چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی (چاپ نشده) در پژوهشی مستقل این موضوع را به شکل عمیق‌تر مورد مطالعه قرار داده‌اند. این یافته پژوهش که در دو شهر تهران و کرج تعداد افراد ناراضی از ارتباط با خانواده همسر بر افراد راضی غلبه داشت، قابل تأمل است. شاید علت این مسئله تفاوت‌هایی در بافت جمعیتی تهران و

کرج که دو کلانشهر مهاجرپذیر اصلی در کشور هستند باشد. طبق نظر جامعه‌شناسان سبک زندگی ساکنان شهرهای بزرگ با شهرستان‌ها تا حد زیادی متفاوت است. شهرستان‌ها دارای وسعت کمتری هستند و احتمال آشنایی افراد با یکدیگر در آن‌جا بیشتر از شهرهای بزرگ است. بنابراین روابط بین افراد در شهرستان‌ها غیررسمی‌تر و فضای زندگی خصوصی افراد کوچک‌تر است. در حالی که ساکنان شهرهای بزرگ در مقایسه با ساکنان شهرستان‌ها از فضای زندگی خصوصی بیشتری برخوردارند. همچنین در شهرهای بزرگ سنت‌ها از محوریت کمتری برخوردارند و افراد در انتخاب شیوه منحصر به فرد زندگی خصوصی خود آزادترند (کوهن^{۲۴}، ۱۳۷۶).

بنابراین می‌توان انتظار داشت که افراد متأهل ساکن کلانشهرها کمتر به سنن و الزامات رابطه با خانواده همسرشان توجه داشته باشند و در ارتباط با آن‌ها نیاز بیشتری به فضای خصوصی احساس کنند. این مسئله به نوبه خود می‌تواند بر کیفیت رابطه با خانواده همسر تأثیر داشته باشد. از طرفی در شهرهای بزرگ خانواده هسته‌ای نمود بیشتری دارد. بخش قابل توجهی از ساکنان شهرهای بزرگ را خانواده‌هایی تشکیل می‌دهند که در جست‌وجوی موقعیت شغلی بهتر از شهرها یا روستاها و به تبع آن خانواده‌های گسترده خود جدا شده و به کلانشهرها کوچ کرده‌اند. بدین ترتیب در چنین شرایطی خانواده گسترده جایگاه مهم خود را در روابط از دست می‌دهد (کوهن، ۱۳۷۶) و می‌توان انتظار داشت که رابطه زوج جوان با خانواده گسترده کیفیت متفاوتی پیدا کند. از طرفی ممکن است تغییر شهر محل زندگی زوج از سوی خانواده‌های اصلی آن‌ها به معنی تلاش در جهت فاصله گرفتن و حتی طرد خانواده اصلی توسط فرزندان یا همسران‌شان تلقی گردد، در حالی که شاید خانواده‌های اصلی همچنان نیاز به پیوند و ارتباط بیشتری با زوج احساس کنند. این مسئله می‌تواند موجب واکنش‌های منفی از سوی خانواده اصلی به زوج جوان و به تبع آن نارضایتی طرفین از رابطه گردد. اما به نظر می‌رسد ارتباط با خانواده همسر برای زوجین ساکن شهرستان از اهمیت و محوریت بیشتری برخوردار باشد.

تبیین دیگری برای این یافته محتمل به نظر می‌رسد. بر اساس مشاهدات همکاران پژوهش که توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها را به عهده داشتند شرکت‌کنندگان ساکن شهرستان‌ها بیشتر نسبت به شرکت‌کنندگان تهرانی و کرجی نگران شرکت در پژوهش بودند. نگرانی آن‌ها از این بابت بود که به واسطه پاسخگویی به پرسش‌نامه قرار است خصوصی‌ترین اطلاعات را راجع به مسائل خانوادگی خود فاش سازند و شاید این مسئله برای آن‌ها عواقب نامطلوبی را در رابطه با همسر یا خانواده همسرشان در بر داشته باشد. البته پس از ارائه توضیحاتی در باب قواعد اخلاقی پژوهش و عدم افشای هویت شرکت‌کنندگان معمولاً این نگرانی برطرف شده و افراد نسبت به شرکت در پژوهش ابراز رضایت می‌کردند. با این وجود این نگرانی می‌تواند سبب شده باشد که افراد ساکن شهرستان‌ها نسبت به افشای جزئیات مشکلات خود در رابطه با خانواده همسرشان محتاطانه‌تر عمل کرده باشند.

از طرفی تحلیل‌ها نشان داد که در بین افرادی که شهر محل سکونت خودشان با خانواده اصلی و همسرشان یکسان است تعداد افراد راضی از ارتباط با خانواده همسر بر افراد ناراضی غلبه دارد. اما در بین افرادی که شهر محل سکونت خودشان، خانواده اصلی و همسرشان سه شهر متفاوت است تعداد افراد ناراضی از ارتباط با خانواده همسر بر افراد راضی غالب است. شاید بتوان این یافته را چنین تبیین کرد که احتمالاً در صورت یکسان بودن شهر محل سکونت سه خانواده، می‌توان انتظار داشت که همسران از قومیت، فرهنگ و زبان مشابه‌تری برخوردار باشند و این شباهت‌ها تسهیل‌کننده رابطه رضایت‌بخش‌تری با خانواده همسر شود. در حالی که چنین مسئله‌ای در مواردی که زوجین و خانواده‌های اصلی آن‌ها در سه شهر مختلف زندگی می‌کنند صادق نیست. زیرا احتمالاً علاوه بر اختلافات فرهنگی احتمالی دو خانواده، زوج شهر دیگری را برای سکونت انتخاب کرده که ممکن است نشانه‌ای از پیوند کم‌استحکام‌تر زوج با خانواده‌های اصلی یا دوری جستن زوج از هر دو خانواده تلقی گردد.

جمع‌بندی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به جز متغیرهای دموگرافیک، عوامل چندی می‌تواند با رضایت از رابطه با خانواده همسر مرتبط باشد. برخی از این عوامل حتی به پیش از ازدواج مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد هرچه افراد اعتقاد بیشتری به وجود شباهت بین خانواده اصلی و خانواده همسر از نظر ارزش‌ها، سطح اقتصادی - اجتماعی، سبک زندگی، زبان و قومیت داشته باشند می‌توان امیدوار بود که تعارضات کمتری در رابطه خود با خانواده همسر پیدا کنند و رابطه مطلوب‌تری با آن‌ها برقرار کنند. بخشی از این عوامل معطوف به رفتارهای هر یک از همسران است. به نظر می‌رسد در ایجاد رابطه مطلوب با خانواده همسر نقش میانجی‌گری همسر بسیار مهم و پررنگ است. اتخاذ روش‌هایی چون طرفداری از خانواده اصلی یا ترجیح به ملاقات‌های فردی با خانواده اصلی می‌تواند با ایجاد آسیب‌های جدی به رابطه همسر با خانواده اصلی فرد و کاهش میزان رضایت از رابطه مذکور همراه باشد. علاوه بر این شیوه واکنش طرفین رابطه به تعارضات پیش‌آمده نیز می‌تواند با رضایت از رابطه مرتبط باشد. به نظر می‌رسد شیوه‌های کاهش رفت و آمد با خانواده همسر و یا تلافی تأثیر منفی بر کیفیت رابطه و رضایت از آن دارد، در حالی که نادیده گرفتن تعارض و نشان ندادن واکنش علی‌رغم ناراحتی می‌تواند با رضایت از رابطه مرتبط باشد که البته این مسئله با ویژگی‌های خاص فرهنگ ایرانی (اجتناب از تعارض در روابط نزدیک و حفظ احترام بزرگ‌ترها) هماهنگی نشان می‌دهد. در ادامه هر یک از این موارد با تفصیل بیشتری تبیین می‌گردد.

دور از انتظار نیست که افراد ناراضی از رابطه با خانواده همسر موضوعات تعارض بیشتری را نسبت به افراد راضی در رابطه با خانواده همسر گزارش نمایند. بر اساس نتایج، افراد ناراضی از ارتباط با خانواده همسر بیشتر از افراد راضی با خانواده همسرشان بر سر موضوعات انتظارات غیرمنطقی خانواده همسر، تأثیر زیاد آن‌ها بر تصمیمات همسر، رفتار تبعیض‌آمیز خانواده همسر نسبت به فرد

یا همسر و فرزندش، مسائل مالی و میزان حضور زیاد خانواده همسر در منزل فرد دچار تعارض می‌شوند. جالب است که افراد دو گروه تفاوت معناداری در انتخاب گزینه‌های دخالت مستقیم خانواده همسر در زندگی زوج یا تربیت فرزند نشان نمی‌دهند. به این معنی که ظاهراً حتی افراد راضی از ارتباط با خانواده همسر نیز به خاطر دخالت‌های خانواده همسر در زندگی و تربیت فرزندشان با آن‌ها دچار تعارض می‌شوند. شاید بتوان گفت که دو موضوع تعارض اخیر در مقایسه با سایر موضوعات تعارض دیگر از حساسیت کمتر یا بسامد بیشتری برخوردار هستند یا این‌که از سوی افراد متأهل قابل انتظارتر یا دارای احتمال پذیرش و قابلیت هضم بیشتر به نظر می‌رسند. به بیان دیگر احتمالاً برای افراد متأهل این مسئله قابل انتظار و پذیرش است که خانواده همسر در زندگی آن‌ها دخالت مستقیم داشته باشند، اما این‌که همسرشان تحت تأثیر خانواده‌اش باشد یا اینکه اعضای خانواده همسر با فرد یا همسر و فرزندش رفتار تبعیض‌آمیزی داشته باشند چندان قابل پذیرش نیست. این‌گونه به نظر می‌رسد که رفتارهای تبعیض‌آمیز خانواده همسر و یا عدم تمایز یافتگی همسر برای افراد اهمیت تا دخالت خانواده همسر دارا می‌باشند. این یافته می‌تواند نکته قابل توجهی برای مداخلات زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی در ایران باشد. در هر صورت نباید این مسئله را فراموش کرد که با وجود موضوعات تعارض مشابه با خانواده همسر بین دو گروه افراد راضی و ناراضی از رابطه با خانواده همسر، احتمالاً نحوه واکنش متفاوت طرفین تعارض و نحوه اسناددهی آن‌ها می‌تواند پیامدهای متفاوتی را برانگیزد.

علل ایجاد تعارض نیز از منظر افراد راضی و ناراضی تفاوت داشت. به طور خلاصه می‌توان گفت افراد ناراضی بیشتر از افراد راضی تعارضات خود را با خانواده همسرشان به دو دلیل عمده وجود تفاوت‌هایی با خانواده همسر (از نظر طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، قومیت و زبان، سبک زندگی، ارزش‌ها) و رفتارهای نامطلوب در آن‌ها (رفتار نامناسب، تبعیض قائل شدن، طرفداری همیشگی از همسر و بدگویی از فرد نزد همسر) نسبت می‌دهند. این یافته را می‌توان چنین تبیین کرد که هرچه همسران از پیش‌زمینه خانوادگی متفاوت‌تری برخوردار باشند، احتمالاً رفتارهای متفاوت‌تری در اعضای دو خانواده رخ خواهد داد. بنابراین به احتمال بیشتری طرفین این رفتارها را نامطلوب ادراک کرده و از آن‌ها احساس رنجش می‌کنند. اما دو گروه در انتخاب گزینه‌های اختلاف سنی، زندگی در منزل مشترک و وابستگی اقتصادی به خانواده همسر تفاوت معناداری نشان ندادند. شاید علل اخیر تبیین‌هایی کمتر ناراحت‌کننده برای تعارضات ایجاد شده با خانواده همسر نزد افراد محسوب می‌شوند. یکی از دلایل دیگر می‌تواند این باشد که حمایت اقتصادی خانواده‌های ایرانی از فرزندانشان حتی پس از ازدواج آن‌ها امری متداول محسوب می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶) و این امر متداول به عنوان علت ایجاد تعارضات با خانواده همسر مطرح نمی‌باشد. از طرفی رفتارهایی مانند مخالفت صریح با آن‌ها یا ابراز آشکار ناخرسندی به آن‌ها مذموم شناخته می‌شود (هافستد^{۲۵}، ۱۳۸۸).

همسران فرزندان نیز از این قاعده مستثنی نخواهند بود. بر این اساس از آنجا که رویارویی با والدین و بزرگ‌ترها و نشان دادن احساسات نامطلوب و نظرات مخالف به آن‌ها می‌تواند در بافت فرهنگی ایران پیامدهای ناخوشایندی را به دنبال داشته باشد (ثریا، ۱۳۸۸)، لذا استفاده از شیوه «خویشتنداری خاموش» می‌تواند شیوه غالب نشان دادن ناخرسندی از طرف مقابل در موقعیت‌های این‌چنینی باشد و پیامدهای منفی کمتری را به دنبال آورد (بیمن^{۲۶}، ۱۳۸۶).

دو گروه در انتخاب گزینه‌های درمیان گذاشتن مستقیم مسئله با طرف مقابل یا درخواست مداخله از همسر تفاوت معناداری نشان ندادند که این یافته در نوع خود قابل تأمل است. شاید بتوان این مسئله را این‌گونه تبیین کرد که اگرچه افراد راضی یا ناراضی از ارتباط با خانواده همسر هنگام مواجهه با تعارض در ارتباط با خانواده همسر از روش‌های در میان گذاشتن مستقیم مسئله با طرف مقابل یا درخواست مداخله از همسر به یک میزان استفاده می‌کنند، اما احتمالاً نحوه استفاده از این روش‌ها توسط آن‌ها متفاوت است. یا این‌که افراد مهم دیگر در این میان، مانند اعضای خانواده همسر یا همسر به شیوه‌های متفاوتی نسبت به این روش‌ها واکنش نشان می‌دهند. به طور مثال می‌توان حدس زد که در میان گذاشتن مستقیم مسئله با طرف مقابل در صورت وجود یا عدم وجود مهارت‌های مذاکره و کنترل هیجانات در طرفین رابطه چه پیامدهای متفاوتی را به بار خواهد آورد. شاید عامل دیگری همچون شدت تعارضات پیش‌آمده بین طرفین رابطه بتواند تفاوت واکنش‌های دو گروه به تعارضات پیش‌آمده را تبیین کند. به این معنی که شاید افراد ناراضی از تعارضات شدیدتری با خانواده همسرشان در مقایسه با افراد راضی رنج می‌برند و این مسئله باعث شیوه واکنش متفاوت آن‌ها یا نتیجه نگرفتن از روش‌های مورد استفاده افراد راضی از ارتباط می‌شود. البته برای تبیین دقیق این یافته نیز نیاز به پژوهش‌های عمیق‌تر و دقیق‌تری وجود دارد.

افراد ناراضی بیشتر از افراد راضی بیان کرده‌اند که خانواده همسرشان سهم بسزایی در شکل‌گیری اختلافات زناشویی آن‌ها ایفا می‌کنند، انتظارات غیرمنطقی از آن‌ها دارند و در منزل آن‌ها بیش از حد حضور یا رفت و آمد دارند. شاید بتوان گفت که اعضای خانواده همسر افراد ناراضی واقعاً رفتارهای مذکور را بیشتر از اعضای خانواده همسر افراد راضی انجام می‌دهند. البته گزینه احتمالی دیگری نیز می‌تواند مطرح باشد. ممکن است افراد ناراضی به دلایل مختلفی دچار نوعی توجه انتخابی منفی یا سوگیری نسبت به رفتارهای خانواده همسر شده باشند. بدین ترتیب احتمال آن‌که رفتارهای نامطلوب آن‌ها را بیشتر از رفتارهای مطلوبشان مورد توجه قرار بدهند یا به خاطر بسپارند بیشتر می‌شود. چند یافته دیگر این فرضیه را محتمل‌تر می‌سازد. براساس یافته‌ها بین پاسخ‌های افراد راضی و ناراضی از ارتباط با خانواده همسر در مورد میزان دریافت حمایت مالی یا غیرمالی از خانواده اصلی و نیاز خانواده اصلی به کمک‌های مالی یا غیرمالی زوج توسط خانواده اصلی علیه همسر تفاوت معناداری مشاهده نشد. نمی‌توان بااطمینان گفت که این نتایج به این دلیل بوده است که در تجربه

واقعی افراد ناراضی از ارتباط نوع رفتار دو خانواده اصلی و همسر متفاوت بوده است (غلبه رفتارهای مطلوب در خانواده اصلی و غلبه رفتارهای نامطلوب در خانواده همسر). شاید هم نوعی توجه انتخابی در جریان است که باعث می‌شود افراد به رفتارهای خاصی از اعضای دو خانواده بیشتر توجه نشان دهند و آن‌ها را به خاطر بسپارند. بنابراین نحوه ادراک و تلقی رفتارهای خانواده همسر توسط فرد در نوع واکنش‌های آن‌ها بسیار مهم و تعیین‌کننده خواهد بود. این مسئله که آیا افراد ناراضی از رابطه با خانواده همسر دچار سوگیری یا تحریف‌های شناختی نسبت به رفتارهای خانواده همسرشان هستند یا خیر نیز نیازمند بررسی و مطالعه عمیق‌تر بعدی می‌باشد.

از یافته‌های مهم دیگر این تحقیق، روند تحول رابطه با خانواده همسر در افراد راضی و ناراضی از رابطه با خانواده همسر بود. افراد راضی به طور معناداری بیشتر از افراد ناراضی روند تحول رابطه خود را با خانواده همسرشان همواره مطلوب و بدون تغییر توصیف کردند. درحالی که درصد قابل توجهی (۴۵/۸٪) از افراد ناراضی روند رابطه خود با خانواده همسرشان را نوسان‌دار گزارش کردند و درصد کمتری از افراد ناراضی عنوان کرده بودند که رابطه‌شان با خانواده همسرشان همواره نامطلوب و بدون تغییر محسوس (۱۵/۷٪) یا همواره رو به وخامت (۴/۲٪) بوده است. شاید بتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که شکل‌گیری رابطه مطلوب با خانواده همسر از روندی نسبتاً باثبات برخوردار است و بی‌ثباتی و نوسان در این رابطه می‌تواند منجر به نارضایتی از رابطه شود. البته برای انجام چنین نتیجه‌گیری‌هایی نیاز به انجام پژوهش‌های عمیق‌تر پیرامون این مسئله احساس می‌شود. تبیین دیگر می‌تواند این باشد که شاید رابطه مطلوب با خانواده همسر از ابتدای ازدواج شکل مطلوبی پیدا می‌کند و پس از آن نیز یا رو به بهبود است یا این که تغییر خاصی در آن رخ نمی‌دهد.

توجه به سایر یافته‌های این پژوهش در خصوص عوامل مرتبط با رضایت از رابطه (فرد، همسر و خانواده همسر) نشان می‌دهد که این عوامل و اسناد مرتبط با آن عواملی نسبتاً دیرپا هستند و می‌توان حدس زد که حضور این عوامل به ثبات بیشتر رابطه بین فرد با خانواده همسر منجر گردد و در صورت فقدان این عوامل، رویدادهای بیرونی منجر به تغییر مسیر رابطه و بی‌ثباتی آن گردد. شاید رابطه بین نارضایتی از رابطه با خانواده همسر و نوسان کیفیت ارتباط به دلیل وجود عامل سوم دیگری همچون تغییرات کیفیت رابطه زناشویی یا نوسانات خلقی افراد بوده باشد. به هر حال تأیید هر یک از این تبیین‌ها نیازمند پژوهش‌های آتی در این حوزه خواهد بود.

یافته مهم دیگر در پژوهش حاضر این بود که نوع رفتارهای همسر نیز می‌تواند با رضایت یا عدم رضایت از رابطه با خانواده همسر مرتبط باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد که افراد ناراضی از ارتباط با خانواده همسر بیش از افراد راضی معتقد بودند که همسرشان به شکل غیرمنطقی از خانواده‌اش در برابر فرد طرفداری می‌کند یا این که ترجیح می‌دهد خانواده‌اش را درغیاب فرد ملاقات نماید. ظاهراً میزان تمایز یافتگی همسر از خانواده‌اش و شیوه ارتباط برقرار کردن همسر او بعد از ازدواج با خانواده‌اش و نحوه برقراری تعادل بین همسر و خانواده‌اش در میزان رضایت از رابطه با خانواده همسر

نقش مهمی ایفا می‌کند. از طرفی افراد راضی از ارتباط با خانواده همسر در مقایسه با افراد ناراضی کیفیت ارتباط بهتری بین همسر و دو خانواده گزارش کرده‌اند. این یافته را می‌توان تا حدی با نظریات خانواده‌درمانگران بین‌نسلی هماهنگ دانست که معتقدند کیفیت مطلوب رابطه با خانواده اصلی پیش‌نیاز مهمی برای موفقیت ازدواج فرد محسوب می‌گردد (به عنوان مثال فرامو^{۲۷}، ۱۹۹۲).

از طرف دیگر این یافته می‌تواند به این معنی باشد که کیفیت رابطه با خانواده همسر تا حدی با کیفیت رابطه همسر با خانواده اصلی ارتباط دارد. شاید بتوان گفت که ارتباط بین همسران با خانواده‌های اصلی یکدیگر موضوعاتی درهم‌تنیده و غیرقابل تفکیک هستند. یا این که افراد برای قدردانی از تلاش همسرشان در زمینه برقراری رابطه مطلوب با خانواده اصلی‌شان می‌کوشند تا با خانواده همسرشان ارتباط مطلوبی برقرار کنند و برعکس. تبیین دیگر می‌تواند این گونه باشد که بر اساس نظریه بوئن معمولاً افرادی که نتوانسته‌اند از خانواده اصلی خود به درستی متمایز گردند، همسرانی نامتمایز را برمی‌گزینند (گلدنبرگ^{۲۸} و گلدنبرگ، ۱۳۸۲).

اگر این پیش‌فرض را قبول داشته باشیم عدم تمایز یافتگی همسران از خانواده اصلی خودشان با عدم رضایت هر یک از آن‌ها از رابطه با خانواده همسر همراه خواهد بود. بنابراین می‌توان درک کرد که چرا بین میزان رضایت همسران از رابطه با خانواده طرف مقابل همبستگی وجود دارد. البته یقیناً تأیید یا رد این تبیین‌ها نیازمند انجام پژوهش‌های بیشتر در این حیطه می‌باشد. به عبارت دیگر احتمالاً افراد متأهلی که خانواده همسر خود را حمایتگر (از نظر مالی و غیرمالی)، غیرمتموقع و کمتر مداخله‌گر می‌دانند از رابطه با آن‌ها راضی‌ترند. این نتیجه‌گیری با نتایج پژوهش صادقی (۱۳۸۹) که معتقد است زوجین ایرانی از خانواده‌های یکدیگر انتظار حمایت دارند نه دخالت، هماهنگ است.

بنابراین به نظر می‌رسد موضوع رضایت افراد با خانواده همسر بسیار وسیع است و عوامل متعددی در آن نقش ایفا می‌کنند. بدون در نظر گرفتن هر یک از صاحبان نقش، نمی‌توان کیفیت رابطه یا میزان رضایت از آن را به خوبی تبیین کرد. علاوه بر این که متغیرهای دموگرافیکی هم‌چون جنسیت یا شهر محل سکونت نیز در این میان بی‌تأثیر نیستند و در رضایت افراد از رابطه با خانواده همسر نقش مهمی ایفا می‌کنند. سخن آخر این که پژوهش حاضر مقدمه کوچکی بر موضوع وسیع و پیچیده ارتباط با خانواده همسر است. یقیناً شناخت دقیق‌تر این مفهوم مستلزم پژوهش‌های بیشتر در این حیطه خواهد بود. نتایج این پژوهش می‌تواند در زمینه مداخلات پیشگیرانه در زمینه آموزش زوجین پیش از ازدواج و یا زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی مورد استفاده قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

از همکاری آقای نوید زین‌الدینی و خانم‌ها مریم افراز، زهرا نوری، شبنم اصغری، لیلی آشنا، نفیسه نوروزی، غزال قربانی‌راد، معصومه ستارزاده، عاطفه پویا، فاطمه جعفرپور، سونیا یعقوبی و مریم

زارع‌زادگان که در امر نمونه‌گیری، توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها همکاری صمیمانه‌ای داشته‌اند بسیار سپاسگزاریم.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|------------------|----------------|
| 1. Halford | 16. Hahlweg |
| 2. Lizzio | 17. Dunne |
| 3. Wilson | 18. Blurton |
| 4. Occipinti | 19. Cryder |
| 5. Epstein | 20. Waller |
| 6. Baucom | 21. McLanahan |
| 7. Kayser | 22. DuPlessis |
| 8. Hatfield | 23. Story |
| 9. Rapson | 24. Bradbury |
| 10. Martel | 25. Cohen |
| 11. Mc Goldrick | 26. Hofsted |
| 12. Giordano | 27. Framo |
| 13. Garcia-Preto | 28. Goldenberg |
| 14. Tomita | |
| 15. Halford | |

منابع

- آریامنش، ص.، فلاح‌چای، س.، ر.، زارعی، ا. (۱۳۹۲). مقایسه تمایزیافتگی بین زوج‌های رضایتمند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*. ۳ (۱)، ۹۸-۸۱.
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- بهرامی، ف.، ندایی، ع.، جزایری، ر.، فاتحی‌زاده، م. (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر مبنای سبک‌های شناختی تنظیم هیجان و راهبردهای مقابله‌ای زوجین شهر اصفهان. *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*. ۷ (۳)، ۱۲۲-۱۰۱.
- بیرامی، م.، باباپور، ج.، هاشمی، ت.، اسمعیلی، ا. و بهادری، ج. (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی براساس مولفه‌های هوش هیجانی و شیوه‌های حل تعارض. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*. ۱۷ (۳)، ۲۷-۲۱.
- بیمین، و. (۱۳۸۶). *زبان، منزلت و قدرت در ایران* (ترجمه ر. مقدم کیا). تهران: نشر نی.
- ثریا، س. م. (۱۳۸۸). *شخصیت در فرهنگ با خطوطی از چهره فرهنگ ایران*. تهران: انتشارات دانژه.
- چراغی، م.، مظاهری، م.، ع.، موتابی، ف.، پناغی، ل. و صادقی، م. (چاپ نشده). *ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سیستمی - مثلثی خانواده*.
- چراغی، م.، مظاهری، م.، ع.، موتابی، ف.، پناغی، ل. و صادقی، م. (چاپ نشده). *مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی*.
- زارعی، س.، فرحبخش، ک.، اسمعیلی، م. (۱۳۹۰). تعیین سهم خودمتمایزسازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش‌بینی سازگاری زناشویی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*. ۱۲ (۳)، ۶۲-۵۱.

- زرگر، ف. و نشاطدوست، ح. ط. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱، ۷۳۷-۷۵۰.
- سامانی، سیامک (۱۳۸۶). بررسی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی در گروهی از دانشجویان متأهل در دانشگاه شیراز. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱(۳)، ۶۵۸-۶۶۹.
- شاکریان، ع. (۱۳۹۱). نقش ابعاد شخصیت و جنسیت در پیش‌بینی سازگاری زناشویی. دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. سال ۱۶ (۱)، ۱۶-۲۲.
- صادقی، م. (۱۳۸۹). *الگوی تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثرمندی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری زوجین ناسازگار*. پایان نامه دکتری روان‌شناسی عمومی. دانشگاه شهید بهشتی.
- صادقی، م.، مظاهری، م. ع.، موتابی، ف. (۱۳۹۲). نقش تعامل زوجین در کاربرد مهارت‌های ارتباطی. *خانواده‌پژوهی*. سال ۹ (۳۴)، ۱۷۳-۱۸۸.
- فاتحی‌زاده، م.، بهجتی اردکانی، ف. و نصر اصفهانی، ا. ر. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد. *فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۱۱، ۱۲۷-۱۱۷.
- قطبی، م.، هلاکویی نایینی، ک.، جزایری، ا. و رحیمی، ع. (۱۳۸۶). وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۳ (۱۲)، ۲۷۳-۲۸۸.
- کوهن، ب. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی* (ترجمه غ. ع. توسلی و ر. فاضل). تهران: انتشارات سمت.
- گل‌پرور، م.، طاهری‌زاده، ژ. اسماعیلی، ر. (۱۳۹۰). ویژگی‌های روانی - شخصیتی زوج‌های ناسازگار و سازگاری زناشویی آن‌ها در ایران و تورنتو. *خانواده‌پژوهی*. ۷ (۲۶)، ۲۳۹-۲۲۳.
- گلدنبرگ، ا.، گلدنبرگ، ه. (۱۳۸۲). *خانواده‌درمانی* (ترجمه م. ر. حسین‌شاهی برواتی و س. نقشبندی و ا. ارجمند). تهران: روان.
- مظاهری، م. ع.، صادقی، م.، نصرآبادی، ا.، انصاری‌نژاد، ف. و عباسی، م. (۱۳۸۸). سبک‌های همسرگزینی و کیفیت و پایداری ازدواج. *راهبرد فرهنگ*، ۲ (۵)، ۷۲-۵۵.
- مظاهری، م. ع.، صادقی، م.، روشن، م.، اشتریان، ک.، احمدی، ع.، حمیدی، ن.، امامی، ر.، موتابی، ف.، طهماسیان، ک. و پناغی، ل. (۱۳۸۷). *سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای کاهش و کنترل طلاق در کشور*. طرح تحقیقاتی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی. چاپ نشده.
- هافستد، گ. (۱۳۸۸). *فرهنگ‌ها و سازمان‌ها نرم‌افزار ذهن* (ترجمه س. م. اعرابی، س. ه. هدایتی و م. محمودی). تهران: نشر علم.

- Blurton, A. (2005). A qualitative study exploring martially satisfied retired couples in the early years of retirement. *Dissertation Abstracts International*, 65, 42-75.
- Cryder, A. P. (1998). A Qualitative Investigation of Narratives of Satisfied Couples. *Dissertation Abstracts International*, 58, 24-48.
- Du plessis, K. (2008). Attachment and Conflict in Close Relationship: The association of attachment with conflict resolution styles, conflict beliefs, communication accuracy and relationship satisfaction. A thesis presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Psychology at Massey University, Albany, New Zealand.
- Epstein, N. B., Baucom, D. H. (2002). *Enhanced Cognitive-Behavioral Therapy for Couples: a Contextual Approach*. Washington DC: American Psychological Association.

- Framo, J. L. (1992). *Family of Origin Therapy: an Intergenerational Approach*. New York: Brunner/Mazel Publishers.
- Halford, W. K., Hahlweg, K. & Dunne, M. (1990). The cross-cultural consistency of marital communication associated with marital distress. *Journal of Marriage and the Family*, 52, 155-123.
- Halford, W.K., Lizzio, A., Wilson, K.L. & Occhipinti, S. (2007). Does working at your marriage help? Couple relationship, self-regulation and satisfaction in the first 4 years of marriage. *Journal of Family Psychology*. 21(2). 185-194.
- Hatfield, E., Rapson, R. L., Martel, L. D. (2007). Passionate Love and Sexual Desire. In Kitayama, S., Cohen, D. (Eds). *Handbook of Cultural Psychology*. (500-528). New York: Guilford Publication.
- Kayser, K., (2005). *Couples coping with stress: emerging perspectives on dyadic coping*. New York: American Psychological Association
- McGoldrick, M., Giordano, J., Garcia-Preto, N. (2005). *Ethnicity & Family Therapy*. New York: Guilford Publication.
- Story, L. B., Bradbury, T.N. (2004). Understanding Marriage and Stress: Essential Questions and Challenges. *Clinical Psychology Review*, 23, 1139-1162.
- Tomita, S. K. (1994). The Consideration of Cultural Factors in the Research of Elder Mistreatment with an In-depth Look at Japanese. *Journal of Cross-Cultural Aging*. 9, 38-52.
- Waller, M. R., McLanahan, S. S. (2005). "His" and "Her" Marriage Expectations: Determinants and consequences. *Journal of Marriage and Family*, 67, 53-67.